مقابله فن آوری و فرهنگ

حافظیان، مقداد

نیل پستمن lieN namtsoP ،منتقد جدی شکل کنونی زندگی صنعتی است؛ تسلیم انسان به ماشینیزم و فرو پاشی فرهنگ‏ و هویت در جریان پیچیده شدن فناوری و نفوذ آن در میان خانواده.

پستمن در این روش انتقادی البته تنها نیست اما شیوه استدلال وی با دیگران‏ تفاوت‏هایی دارد.وی«از خود بیگانگی» (الیناسیون)را در بستر فردی صرف‏ جست و جو نمی‏کند بلکه ماهیت آن را در فرو کاهی و فرو غلتیدن فرهنگ در پس‏ پرده‏ای از ابزارهای ماشینی و فناورانه‏ می‏جوید که جامعه را در تور تسلیمی‏ می‏اندازد که بدان آگاهی ندارد و در حقیقت‏ جامعه را آرام آرام دست آموز خویش‏ می‏سازد و جهت خویش را بر وی تحمیل‏ می‏کند و اخلاق!خاص نیز می‏آفریند.

پستمن به طور عام توسط دکتر صادق‏ طباطبایی به جامعه ما معرفی شد.آن وقت‏ که وی کتابی از این جامعه‏شناس و پژوهشگر مسایل ارتباط جمعی را با عنوان«تکنوپولی؛ تسلیم فرهنگ به تکنولوژی»به فارسی‏ برگرداند.اما نام کتاب به انگلیسی چنین است:

yloponhceT : ehT rednerrus fo erutluc ot ygolonhceT

چاپ اول این کتاب در سال 1373 توسط انتشارات سروش به بازار کتاب ایران عرضه‏ شد.

کتاب علاوه بر یادداشت مترجم، پیشگفتاری از نویسنده دارد که تا حدی به‏ سابقه موضوع می‏پردازد.اما متن اصلی کتاب‏ در یازده بخش تدوین شده است؛قضاوت‏ تاموس،از ابزار تا تکنوکراسی،از تکنوکراسی‏ تا تکنوپولی،دنیای نا محتمل،فرو ریزی نظام‏ دفاعی،ایدئولوژی ماشین‏ها:تکنولوژی‏ پزشکی،ایدئولوژی ماشین‏ها:تکنولوژی‏ کامپیوتر،تکنولوژی‏های نامرئی،علم زدگی، تخلیه نمادها،پیکارگر مشتاق عرصه مقاومت‏ و همراه با کتابنامه به لاتین و یک فصل الحاقی‏ که مترجم بدان افزوده است:«نمونه‏ای از دین ستیزی تکنوپولی و شبیخون فرهنگی غرب‏ و بالاخره ماجرای سلمان رشدی و کتاب آیات‏ شیطانی عنوان ضمیمه‏ای است به قلم مترجم‏ که به انتهای کتاب افزوده شده است.

کتاب که با«قضاوت تاموس»از ص 21 آغاز می‏شود،در حقیقت دارای«حسن‏ مطلع»ی است.زیرا تضاد میان طرفداران‏ زندگی طبیعی را با مخترعان و دانش‏های‏ جدید به عصر خدایان اساطیری و دنیای‏ افسانه‏ها باز می‏گرداند و مشخص می‏کند این‏ نزاع و مخالفت نه جدید است و نه پایان پذیر. زیرا تا زمانی که آدمی به خرد و عاطفه تازه‏ای‏ دست نیابد و عقل و تدبیر را با مناط محض‏ صناعت ماشینی و تسلط غیر قابل کنترل بر طبیعت فطری بسنجد و قدرت و اقتصاد، قاضی نهایی باشند،فرهنگ و اخلاق در پسین‏ترین لایه‏های ناخودآگاه جمعی راکد می‏مانند تا زمان خاصی فرا رسد و فصل‏ موعود شکوفا گردد.

اما در ذیل،فشرده‏ای از سایه روشن کتاب‏ نیل پستمن را می‏خوانید.

پستمن چند ماه پیش در 72 سالگی‏ در گذشت.

نیل پستمن؛جامعه شناس آمریکایی و استاد دانشگاه نیویورک و کارشناس مسایل ارتباط جمعی با نوشتن آخرین اثر خود به نام‏ «تکنوپولی»یا«انحصارگری تکنولوژی»یا به‏ عبارت دیگر تسلیم فرهنگ به تکنولوژی،خطر ورود تکنولوژی فوق مدرن را در ابعاد مختلف‏ زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان‏ها و جوامع‏ بشری گوشزد می‏کند و روند رو به رشد تکنولوژی و سلطه آن را بر جوامع بشری‏ بالاخص در آمریکا و به تأسی از آمریکا در کشورهای دیگر مورد عنایت قرار می‏دهد.به‏ عقیده پستمن نظام فوق مدرن(تکنوپولی)با ظاهری خدمتکارانه و رنگ و لعابی پر منفعت‏ برای جوامع بشری به پیش می‏آید ولی در باطن‏ و در پشت این نقاب فریبکارانه باعث تخریب و بی اثر کردن اخلاق و معنویات و سمبل‏ها و نمادها در جامعه شده و در تمام شئون مختلف‏ اجتماعی و فرهنگی قدرت را در انحصار خود در آورده است.این حرکت چیزی نیست جز به‏ خدمت تکنولوژی در آمدن بشر و سلب اراده و تصمیمات از او و به دست گرفتن سرنوشت‏ انسان.پستمن در واقع خطر سلطه این‏ امپراطوری و از بین بردن سیستم دفاعی جوامع‏ انسانی و نظام‏های فرهنگی را اخطار می‏دهد و در واقع این پیام را دارد که تکنولوژی بدون‏ اخلاق جز دور شدن از سنت‏ها و ارزش‏های‏ انسانی چیز دیگر را در بر ندارد.در این کتاب، نویسنده کوشش نموده این روند و سیر تخریبی‏ تکنولوژی را در فصول مختلف مورد بحث قرار دهد.

از دیدگاه پستمن،فرهنگ‏ها را اصولا می‏توان به سه نوع متمایز از یکدیگر تقسیم کرد: فرهنگ ابزارها،فرهنگ تکنوکراسی و بالاخره‏ فرهنگ تکنوپولی(انحصارگری تکنولوژی) هدف نویسنده از این نوع تقسیم بندی در واقع‏ بیان تاثیر هر کدام از این فرهنگ‏ها در نظام جهانی‏ و اثرات و تبعات آنهاست.در فرهنگ ابزار و آلات که تا قرن هفدهم،فرهنگ جوامع مختلف‏ را شامل می‏شد،صرف نظر از موارد استثنایی‏ تخریب،هیچگاه ابزار و آلات اختراع شده‏ دخالت و یا نفوذی در مبانی فرهنگی نداشته و عقاید و سنن را دگرگون نمی‏ساختند.البته، نکته مهمی که از دیدگاه پستمن در عصر فرهنگ‏ ابزار چه در جوامع ابتدایی و چه در جوامع‏ پیشرفته قابل عنایت است،این است که در این‏ فرهنگ،ابزار در خدمت عقاید انسان‏ها بوده و این تعالیم،مذهبی و ایدئولوژی بودند که‏ هدایت کننده و کنترل کننده ابزار آلات بوده و کم‏ و کیف آن را تعیین می‏کردند و در واقع تعالیم و تفکر متافیزیکی بود،که بر تکنیک غالب می‏شد و مانع از تحمیل تکنیک بر آنها بود.

\*پستمن از دیدگاه تاموس قایل‏ است که ابزارها،می‏توانند حتی‏ به درون سیستم اعتقادی و فرهنگی یک جامعه بسته نفوذ کنند زیرا قدرت مذهب و متافیزیک بالاخره دارای حد و مرزی است و تکنیک می‏تواند جریاناتی را باعث شود که گاه‏ زمام را از دست انسان خارج‏ می‏سازد.

پستمن از دیدگاه تاموس قایل است که با تمامی مطالب فوق ابزارها،می‏توانند حتی به‏ درون سیستم اعتقادی و فرهنگی یک جامعه بسته‏ نفوذ کنند زیرا قدرت مذهب و متافیزیک بالاخره‏ دارای حد و مرزی است و تکنیک می‏تواند جریاناتی را باعث شود که گاه زمام را از دست‏ انسان خارج می‏سازد.اما فرهنگ تکنوکراسی‏ یا فن سالاری که در واقع نوعی تکامل در فرهنگ‏ ابزار است،به عقیده نیل پستمن در جامعه‏ تکنوکراسی،ابزار و آلات،نقش کلیدی را در جهان اندیشه‏های فرهنگی آن جامعه بر عهده‏ دارند.همه شرایط و تحولات و خواسته‏ها و همه ویژگی‏های اجتماعی باید تا حدود زیادی‏ تابع خواسته‏ها و ضوابطی باشند که رشد این‏ ابزار آلات و سیر تحولی و تکاملی آن ایجاب‏ می‏کند از زندگی جمعی و شرایط اجتماعی‏ گرفته تا دنیای مفاهیم و سمبل‏ها همه تابع متغیر خواسته‏های جبری و توقعات ناشی از سیر تکاملی این تکنیکها هستند.از دیدگاه نویسنده‏ این واقعیت قابل انکار نیست که تکنوکراسی‏ چهره ظاهری و نمادین تمدن مادی را به کلی و از اساس دگرگون ساخته و از آنچه توکویل‏ ( elliveuqcoT )اشمئزارکار می‏نامید،نقش‏ اساسی ایفاء کرده است.پستمن،تخریب‏های‏ ناشی از نظام تکنوکراسی را عمدتا قابل علاج و بهبود می‏داند و توجه مخاطب را بر اصلی مهم‏ جلب می‏کند که در واقع نظام تکنوکراسی‏ خواهان احترام و تکریم و شایستگی و لیاقت‏ انسان‏هایی شد که شکوفایی خلاقیت آنان و تامین رفاه بیشترشان محور برنامه‏ها و اندیشه‏های سیاسی و سازماندهی سیاستمداران‏ گردید.نظام تکنوکراسی از دیدگاه نویسنده به‏ بشریت اندیشه پیشرفت و ترقی را عطا کرد و به‏ طور جبری،بندها و قیود سنتی و مذهبی و حتی‏ سیاسی را سست کرد.سرانجام تکنوکراسی‏ نوید دهنده نظمی نوین در تامین آزادی‏ها و شکل‏های جدیدی از سازماندهی و تشکیلات‏ اجتماعی و عمومی گردیده و علاوه بر آن موجب‏ افزایش سرعت در تمامی زمینه‏ها و شئونات‏ زندگی انسانها گردید.البته،مطالب دیگری که‏ می‏توان در حول و حوش این نظریه مطرح‏ نمود،این است که نویسنده با بیان یکسری از ساز و کارهای مثبت از نظام تکنوکراسی و ایجاد تحولی نوین در فرهنگ جوامع و نظام‏های‏ انسانی با دید نقادانه و انتقادی خود که در سیر تکاملی کتاب دیده می‏شود احتمالا قایل به یک‏ حالت حد وسط برای نظام تکنوکراسی است که‏ از نظر منفعت و ضرر یکسان است و یا با در نظر گرفتن ضرری که در مقایسه با نظام تکنوپولی‏ که در آن نفوذ و گسترش تکنولوژی و احاطه آن‏ بر جوامع فرهنگی است،این حد وسط را قایل‏ شده است.ولی می‏توان این نتیجه را از نظام‏ تکنوکراسی داشت که این نظام هرگز نتوانسته‏ به طور کامل فرهنگ‏ها و سنت‏ها را معیوب و خدشه دار کند ولی با ظهور تکنوپولی یکی از این‏ دو رقیب به ناچار جای خود را به دیگری می‏دهد اما عملکرد در نظام تکنوپولی از دیدگاه پستمن‏ بدین صورت است که در این نظام،رقبای مقابل‏ تکنولوژی از صحنه حذف می‏شوند و در واقع‏ این امپراطوری رقیب خود را از مشروعیت‏ ساقط نمی‏کند یا به او انگ بی خردی و جنون نمی‏زند و حتی از شهرت آن نمی‏کاهد بلکه آن‏ را نامرئی و بی تاثیر می‏سازد.در اینجا نکته‏ باریکی که وجود دارد این است که نویسنده‏ می‏خواهد این ذهنیت را القاء کند که مسیر تکنولوژی در زندگی انسان به حدی نامحسوس‏ است که سمبل‏ها و نهادها و سنت و اخلاق، رنگ و بوی مدرن را به خود می‏گیرد و در عین‏ بودن،عدم می‏شوند و بی اثر می‏گردند.در اینجاست که نویسنده از نظام تکنوپولی به ایدز فرهنگی نام می‏برد که فرهنگ جوامع در این‏ حالت سیستم دفاعی خود را در مقابل سیل‏ بی امان تکنولوژی از دست می‏دهد و در مقابل‏ آن تسلیم می‏گردد از اینرو در واقع تکنوپولی را تکنوکراسی غلبه یافته مستبد بلا منازع می‏توان‏ دانست که نویسنده زمان انتقال نظام تکنوکراسی‏ را به تکنوپولی در آمریکا،دادگاهی که علیه جان‏ اسکوپ( epocsnohJ )در سال 1925 که در دایتون تنس صورت گرفت،می‏داند که به‏ «محکمه میمونها»شهرت یافت.در ادامه، نویسنده با بیان چهار دلیل اصلی،زمینه‏ مساعد بودن آمریکا را در ورود تکنوپولی‏ مشخص می‏نماید.پستمن،اولین دلیل را خصلت خود آمریکایی می‏داند و دلیل دوم را در نبوغ و شجاعت سرمایه‏داران آمریکایی پایان‏ قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دانسته و دلیل‏ سوم را توفیق تکنولوژی قرن بیستم در تامین‏ آسایش و رفاه،عدم اتلاف وقت،سرعت، بهداشت و دیگر مسایلی که باعث بهبود همه‏ جوانب زندگی شده بود دانسته و دلیل چهارم‏ اینکه با افزایش پیروزی‏های تکنولوژی،مبانی‏ اعتقادی دیرین در جامعه آمریکا دچار بن‏بست‏هایی شدند و به کنار رفتند و این چهار دلیل با هم زمینه را برای ایجاد نظام تکنوپولی‏ در آمریکا فراهم آورد.از دیدگاه پستمن،وجه‏ بارز تکنوپولی،قرار دادن تکنولوژی به جای‏ خداست.و لذا شاخص‏ها و خصلت‏های آن‏ را خدا گونه می‏دانند.در این نظام،فرهنگ‏ اعتبار و تشخص خود را از تکنولوژی‏ جست و جو می‏کند و ارضای امیال و کامیابی‏ خود را از تکنولوژی طلب می‏کند و این راه الزاما به نابودی باورها و عقاید منجر می‏شود. نویسنده در ادامه،سیر نفوذ پذیر و تکاملی‏ تکنوپولی را در زندگی افراد مورد بررسی قرار می‏دهد و ادامه می‏دهد که در نظام تکنوپولی‏ معرفت‏های ذهنی فاقد اعتبار و ارزش است و قضاوت‏های شخصی جای خود را به‏ قضاوت‏های ناشی از تست‏های ماشینی داده‏ است.در نظام تکنوپولی ما،نه تنها به وسیله‏ اعجاب آفرینی‏ها و شگفتی‏های ماشین احاطه‏ می‏شویم بلکه بدان سو کشانده و تشویق‏ می‏شویم که انگیزه‏ها و ایده‏های نهفته ذاتی آنها

\*از نظر پستمن،تکنولوژی آمار مقادیر انبوهی از اطلاعات کاملا بی فایده تولید می‏کند که کار تشخیص اطلاعات مفید از غیر مفید را به مراتب مشکل‏تر از آنچه هست ساخته و اینطور ادامه می‏دهد که مساله در اینجا فراوانی اطلاعات نیست بلکه در عوام زدگی تجارتی کردن‏ اطلاعات نیز هست که باعث‏ می‏شود همه اطلاعات عرضه‏ شده یکسان و با اعتباری مساوی‏ کنار یکدیگر ردیف شوند.

را اصلا مورد توجه قرار ندهیم،لذا دچار بیماری کوری شده و قدرت بینایی خود را برای‏ درک معانی ایدئولوژیک و دستاوردهای‏ تکنولوژی از دست می‏دهیم.پستمن با بیان‏ گوشه‏ای از نفوذ نظام تکنوپولی در علم پزشکی‏ و با دادن آمار و ارقامی که نمایانگر سیر سریع‏ ورود تکنوپولی در عرصه پزشکی است‏ مخاطب را به این نقطه سوق می‏دهد که در کشوری به مانند آمریکا با داشتن نظام تکنوپولی‏ به طور مثال با ایجاد بی اعتمادی در عرصه‏ پزشکی بر طبیعت،به کار بردن متدهای خشن‏ درمانی و تهاجمی به عنوان الگوی درمانی‏ در آمده و این خصیصه در واقع از لوازمات نظام‏ تکنوپولی است که رقیب خود را بی اثر نماید. دکتر دیویدا-راجرز در پیامی به جامعه‏ فیزیکدانان آمریکا چنین اخطار می‏کند که به هر میزان که این آزمایشات پزشکی عمیق‏تر و از کمیت بیشتری برخودار می‏شوند،به همان‏ میزان پر هزینه‏تر و برای سلامت بیمار تهدید کننده‏تر می‏شوند.امروزه این اتفاق به‏ ندرت صورت نمی‏گیرد که پیر مردی به خاطر تهوع و به دلیل وجود اندکی اختلال به بیمارستان‏ منتقل می‏گردد و در روز سوم کاملا رمق کشیده‏ و ناتوان،آسیب پذیرتر شده است.زیرا 48 ساعت مدام تحت معاینات سر گیجه‏آور و خسته کننده و طاقت فرسای بخش رادیولوژی، یا دیگر لابراتورها قرار گرفته است.در واقع‏ پستمن سیر رشد و ترقی ابزار پزشکی را در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم باعث‏ اتکای پزشکی به نظام تکنوپولی و سرانجام‏ وابستگی کامل آن به تکنولوژی می‏داند و به طبع‏ با ورود تکنولوژی در نظام تکنوپولی به عرصه‏ پزشکی و اعتماد کامل به آن،به حداقل رسیدن‏ قدرت تشخیص و تحلیل پزشکان که در واقع‏ شاخصه یک پزشک حاذق قبل از عصر تکنوپولی بود را در بر دارد.

نویسنده در هر مقطع از ورود تکنولوژی بر عرصه‏ای خاص در نظام فرهنگی دلایل آن را نیز مورد بررسی و مطالعه قرار می‏دهد و در واقع‏ پستمن،سه دلیل عمده را در ورود تکنولوژی‏ به عرصه پزشکی سهیم می‏داند:اول همان‏ خصلت آمریکایی که به یک روش تهاجمی و خشن گرایش دارد.از این رو با آمادگی کامل از ورود تکنولوژی به حوزه پزشکی استقبال کرده‏ است و دلیل دوم بروکراسی قرن نوزدهم که‏ سرشار از فشار و تمایل به نو آوری‏های‏ اختراعات و تفکری است مبتنی بر اصالت‏ توسعه و پیشرفت که موجب یک سلسله‏ اختراعات و نو آوری‏هایی شد که تا مرز اعجاب‏ و سحر آفرینی پیشرفت کرد و بالاخره دلیل سوم‏ اینکه مجموعه فرهنگ به سویی کشیده شد که به‏ طور جبری اتکای سیستم طبابت را بر شالوده‏ خشن و مهاجم تکنولوژی اجتناب نا پذیر ساخته‏ بود.سرانجام،نویسنده از این تسلط نظام‏ تکنوپولی در عرصه پزشکی،این نتیجه را می‏گیرد که اولا تکنولوژی هرگز عضوی خنثی‏ و بی طرف در سیستم پزشکی نیست و این‏ تکنولوژی نیست که در خدمت پزشکان است‏ بلکه پزشکان هستند که در اسارت تکنولوژی‏ می‏باشند ثانیا تکنولوژی امپراطوری خاص خود را بنا نهاده و با ایجاد شبکه‏های متعدد در نظام اجتماعی به آن قوام بخشیده و دائم بر قدرت آن‏ می‏افزاید و بالاخره تکنولوژی سیستم پزشکی‏ و طبابت را به گونه‏ای دگرگون ساخته که به آن‏ مفهوم و معنای جدیدی ارایه می‏دهد.با ورود کامپیوتر به عرصه نظام تکنوپولی تحولی عظیم‏ در تکنولوژی غرب به وجود آمد،از این رو کامپیوتر،کاملترین ماشین در نظام تکنوپولی‏ است که به هیچ وجه و با هیچ چیز دیگر قابل‏ تعویض و جایگزینی نبود.کامپیوتر،سلطه‏ محض خود را بر روی طبیعت و لوازم آن مانند محیط زیست و احساسات و عواطف ما و حرکات و حتی بر رسوم ما اعمال می‏نماید. کامپیوتر مدعی حاکمیت بلا منازع بر مجموعه‏ تجربیات و رفتارهای انسانی و آنچه بر انسان‏ها می‏آید و خلاصه تسلط بر تمام ابعاد زندگی‏ انسان پیدا می‏کند و این ادعا را با این نمایش که‏ او بهتر از ما قادر به فکر کردن است تحکیم‏ می‏بخشد از اینرو بعضی از اندیشمندان که‏ مبهوت نظام تکنوپولی و تکنولوژی کامپیوتر شده سخنانی گفته‏اند به مانند ماروین منسیکی‏ که از هوش مصنوعی سخت به شگفت آمده و به گفته نویسنده دچار نوعی هیجان‏زدگی‏ هیستریک شده بود و به یکباره اظهار داشت:«قدرت تفکر این مغز سیلیکونی آنچنان‏ افسانه‏ای و مفتون کننده است که ما باید خوشحال باشیم اگر ما را حتی به عنوان حیوان‏ خانگی خود نگه دارد.»نویسنده ادامه می‏دهد که کامپیوتر به جایگاهی در نظام تکنوپولی‏ می‏رسد که آن را به عنوان یک موجود زنده و در ردیف انسان قرار می‏دهند و حتی این مقایسه را از حد و مرز عقلی و منطقی خارج ساخته و به‏ گزافه گویی و غلو می‏پردازند.پستمن،خطر ورود نظام تکنوپولی در علوم مختلف از جمله‏ علم آمار و حتی زبان را نیز مورد بررسی قرار می‏دهد و می‏گوید که چگونه علم آمار بخش‏ افکار و تصمیمات سیاستمداران را تحت الشعاع‏ خود قرار می‏دهد و افکار آنها را به دست خود گرفته و جهت دهی می‏کند.از نظر پستمن، تکنولوژی آمار مقادیر انبوهی از اطلاعات کاملا بی فایده تولید می‏کند که کار تشخیص اطلاعات‏ مفید از غیر مفید را به مراتب مشکل‏تر از آنچه‏ هست ساخته و اینطور ادامه می‏دهد که مساله‏ در اینجا فراوانی اطلاعات نیست بلکه در عوام‏زدگی تجارتی کردن اطلاعات نیز هست که‏ باعث می‏شود همه اطلاعات عرضه شده یکسان‏ و با اعتباری مساوی کنار یکدیگر ردیف شوند. نیل پستمن از قول رادیرد کیپلینگ،می‏گوید: پاره‏ای از تکنولوژی‏ها در زیر نقاب ظاهر می‏شوند که آنها را تکنولوژی‏هایی ساکن‏ می‏نامند.آنها در ظاهر گویای یک تکنولوژی‏ نیستند و بدان شباهت ندارند از اینرو هم در \*پستمن،تخریب‏های ناشی از نظام تکنوکراسی را عمدتا قابل‏ علاج و بهبود می‏داند و ذهن‏ مخاطب را بر اصلی مهم جلب‏ می‏کند که در واقع نظام‏ تکنوکراسی خواهان احترام و تکریم و شایستگی و لیاقت‏ انسان‏هایی شد که شکوفایی‏ خلاقیت آنان و تامین رفاه‏ بیشترشان محور برنامه‏ها و اندیشه‏های سیاسی و سازماندهی سیاستمداران گردید.

جنبه‏های مثبت و هم در مقوله‏های منفی بدون‏ آنکه اصولا مورد نقد و ارزیابی واقع شوند و یا حتی بدون اینکه مورد توجه قرار بگیرند،رها می‏شوند و این از خصوصیت‏های نظام‏ تکنوپولی است که با سرعت در حال رشد و حرکت است.پستمن،در ادامه بحث به مسایل‏ مربوط به علم زدگی از دیدگاه دانشمندان‏ علم الاجتماع و بنا شدن ستون‏های اصلی نظام‏ تکنوپولی بر سه ایده مرتبط بهم اینطور می‏گوید که اولین ایده که غیر قابل اجتناب و نیز غیر قابل‏

چشم پوشی می‏نماید این باور است که‏ روش‏های پژوهش در علوم طبیعی در پژوهش‏های مربوط به رفتار انسانی نیز مصداق‏ دارند این پندار چارچوب مباحثی است که در حوزه روان شناسی و جامعه شناسی لااقل در آمریکا مطرح است در عین حال روشن می‏سازد که چرا این روش‏ها نتوانسته‏اند کوچکترین‏ قدمی در راه درک و تفاهم نسبت به پدیده‏های‏ اجتماعی بردارند و دومین پندار به ما می‏گوید که علوم اجتماعی اصول معینی را ارایه می‏دهد که به کمک آنها سازماندهی جامعه به طرق‏ معقول و بشر دوستانه ممکن می‏گردد و عقیده‏ سوم حاکی از آن است که:اعتقاد بر علم، زیر بنای جدید مجموعه اعتقادات و بینش‏هایی‏ است که به زندگانی معنا می‏بخشد و برای‏ انسان‏ها رفاه،پرهیزکاری و حتی جاودانگی به‏ ارمغان می‏آورد.سرانجام نویسنده به یکی از مهمترین تخریب‏های تکنولوژی در نظام‏ تکنوپولی می‏پردازد که همان مبتذل ساختن‏ مقررات است که با هیچ قانونی قابل جلوگیری‏ نیست در نظام تکنوپولی و وظیفه بی‏اعتبار ساختن‏ ارزش‏ها و مبتذل کردن مقدمات به عهده اقتصاد و تجارت گذاشته شده نه به این دلیل که اقتصاد آمریکائی آزمند و طماع است بلکه از اینرو که‏ احترام و ارزش تکنولوژی فوق ارزش‏ها است‏ و سمبل‏هایی که اعتبار و ارزش آنها ریشه در عقاید مذهبی و آیین‏های سنتی دارد باید به‏ سریع‏ترین وجه ممکن از اعتبار ساقط و از اثر گذاری آنها کاسته شود و این بدان معناست‏ که باید لباس قداست از تن سمبل‏ها بدر آید. پذیرفتن یک خدا و قرار دادن آن در جایگاه‏ متعالی مستلزم انکار دیگر خدایان و به زیر کشیدن آنهاست این چیزی است که در نظام‏ تکنوپولی در جامعه آمریکا و به تبعیت از آن در جوامع دیگر در حال حرکت است.